

بیان یکپارچگی در منظر؛ ارایه یک مدل مفهومی جدید*مجتبی کاویان^۱، محمد مسعود^{۲*}، محمد حسن طالبیان^۳

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۸/۰۹/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۸/۱۲/۱۱

چکیده

منظر، به مثابه محیط طبیعی یا مصنوع از دیرباز به واسطه بشر و دیگر موجودات درک شده و کانال ارتباطی محیط و باشندگان درون آن بوده است. اما در علوم جدید، نتوانسته به عنوان یک کلیت منسجم مورد بازشناسی قرار گیرد. شناسایی سوژه به عنوان یک موجودیت مستقل در ذهن مخاطب و درک روابط وجوه و ابعاد و عناصر درون آن همراه با پیوندهای بیرونی‌اش، همان چیزی است که می‌توان ایده یکپارچگی دانست. تخصص‌هایی که قابلیت مطالعه محیط را دارند، هر کدام از بعدی، منظر را موجودیتی یکپارچه منظور می‌کنند و ممکن است دیگر ابعاد را نادیده گرفته یا آن‌ها را موضوعاتی بیشتر ذهنی قلمداد نمایند. این پژوهش با هدف وحدت بخشی به نگاه‌های تخصصی درگیر در مسأله منظر، در مرحله نخست در پی این است که مشخص کند هر یک از تخصص‌های مرتبط با موضوع منظر، کدام یک از وجوه یکپارچگی را در آن ملموس‌تر می‌یابد. راهی که پژوهش حاضر برای پاسخ به این پرسش انتخاب کرده است، به جای مراجعه به آن دیسیپلین‌ها، جستجوی مؤلفه‌های مفهومی منظر و یکپارچگی و سپس دسته‌بندی تخصص‌های علمی مرتبط با مقوله منظر بر اساس آن‌ها است. لذا در مطالعه پیشینه با رویکردی توصیفی پس از بررسی سابقه تعاریف و فضای مفهومی هر کدام از دو مقوله اصلی (منظر و یکپارچگی)، مؤلفه‌های هر یک را از دید صاحب‌نظران بررسی کرده و بر اساس کامل‌ترین تقسیم‌بندی از مؤلفه‌های منظر، نقل قول دیگر نظریه‌پردازان را در جدولی با آن تطبیق داده است. سپس، شش واژه اصلی (سه واژه متعلق به مؤلفه‌های منظر و سه واژه دیگر متعلق به مؤلفه‌های یکپارچگی) از کامل‌ترین تقسیم‌بندی‌ها انتخاب شده و با رویکردی اکتشافی، تعریفی دوباره از مفاهیم و روابط مختلف میان آن‌ها ارایه داده و تفکیک و تداخل مفهومی آن‌ها را با هم بررسی شد. در ادامه، روابط در هم تنیده‌ای که در ابعاد مختلف میان مؤلفه‌های منظر و یکپارچگی وجود داشت، نگارندگان را به سمت طراحی یک مدل مفهومی سه‌بعدی سوق داد. این مدل علاوه بر اینکه جایگاه تخصص‌های اصلی درگیر در بحث منظر را در آن به خوبی روشن و مشخص می‌کند که هر تخصص چه وجوهی از یکپارچگی را بر مبنای چه وجوهی از منظر جستجو می‌کند، فرمت هندسی آن نیز، سیاست‌گذاری متغیریابی و مستندسازی مؤلفه‌های یکپارچگی را آسان‌تر می‌نماید.

کلمات کلیدی: منظر، یکپارچگی، مؤلفه‌ها، مدل مفهومی، تخصص‌های مرتبط

۱- مربی، عضو هیأت علمی گروه مرمت، دانشکده هنر و معماری دانشگاه حکیم سبزواری دانشجوی دکتری مرمت ابنیه دانشگاه هنر اصفهان
 ۲- دانشیار، عضو هیأت علمی گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسؤل. شماره همراه ۰۹۱۳۳۱۳۷۵۷۱ و ایمیل: m.masoud@aui.ac.ir)
 ۳- دانشیار، عضو هیأت علمی گروه مرمت، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
 * این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای مجتبی کاویان در دانشگاه هنر اصفهان با عنوان «تبیین مدل مفهومی مؤلفه‌های یکپارچگی در منظر شهری تاریخی» و با مطالعه موردی در شهر تاریخی بشرویه واقع در اقلیم حاشیه کویر است که به راهنمایی آقایان دکتر محمد مسعود و دکتر محمد حسن طالبیان در حال انجام می‌باشد.

بیان مسأله:

منظر، به مثابه محیط طبیعی یا مصنوع از دیرباز به واسطه بشر و دیگر موجودات درک شده و کانال ارتباطی محیط و باشندگان درون آن بوده است. اما در علوم جدید، نتوانسته به عنوان یک کلیت منسجم مورد بازشناسی قرار گیرد.

اگر شناسایی سوژه به عنوان یک موجودیت مستقل در ذهن مخاطب و درک روابط وجوه و ابعاد و عناصر درون آن همراه با پیوندهای بیرونی‌اش، همان ایده یکپارچگی در نظر گرفته شود، وضعیت یکپارچگی در منظر به دلیل شکل‌گیری و بروز تدریجی پتانسیل‌های محیط و ذی‌مدخلان متفاوت و متنوع، نتوانسته به صورت یک موجودیت دریافتی شود.

اولین مشکل اساسی، تقسیم‌بندی و قطب‌بندی ملموس و ناملموس است. تأکید بر این موضوع، بدین معنی است که ما اذعان می‌کنیم که آنچه از محیط درک می‌شود، تنها وجوهی محدود از آن است. تفکر حوزه میراث فرهنگی به دلیل

باستان‌شناسانه خود، یافته‌های مشهود را به عنوان وجود قابل لمس و مجموعه‌ای از روابط فرهنگی- اجتماعی را به عنوان وجوه ناملموس در نظر می‌گیرند و بنیان‌های تئوریک همواره بر حفظ آن چیزی است که قابلیت مشاهده دارد. اما وسعت سوژه‌های ناملموس و اهمیت آن وجوه در حوزه منظر به میزانی است که دیگر نمی‌توان روش‌های حفاظت را حول موجودیت مشهود شیئی یا سوژه استوار کرد و علاوه بر آن همین قطب‌بندی‌ها در تخصص‌های دیگر نیز وجود دارد. مثلاً یک جامعه‌شناس، ممکن است با ده دقیقه صحبت با یکی از مردم محلی، همه چیز را از یک محیط درک کند و تشابهات و تمایزات آن را با محیط‌های دیگر بر مبنای آنچه که گفته و شنیده، به طوری دقیق تعبیر نماید. در حالی که از فرم‌های موجود در آن به جز تصویری بسیار مبهم و فراموش شده، چیزی در خاطر نگاه ندارد.

یک متخصص اقتصاد ممکن است با نگاه به چند مغازه و نوع اجناسی که در آن فروش می‌رود، فضای اقتصادی را به طور کامل درک کند. در حالی که از ویژگی‌های عاطفی و احساسی مردم، اطلاعی نداشته باشد. متخصص شهرسازی نگاهی به درجه‌بندی دسترسی‌ها می‌کند و نوع جمع و پخش‌کنندگی معابر را در کنار قطعات بلوک-ها می‌گذارد و ریزدانه‌گی و نفوذپذیری را تجزیه و تحلیل می‌کند. این تحلیل تا حدودی به دنیای

فرم‌ها نزدیک‌تر است. متخصص معماری و ساختمان شاید مصالح نمای ساختمان‌ها و به روز بودن ایده‌ها و طرح‌ها را مد نظر قضاوت خود قرار دهد. و نهایتاً متخصصین باستان‌شناسی و مرمت سراسیمه به دنبال خرابه‌های کهنه و بافت‌های قدیمی می‌گردند تا آخرین نمونه‌ها را از خطر تخریب و براندازی نجات دهند. در حالی که ممکن است به دنیای روابط اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها، کاملاً بی‌تفاوت باشند.

در واقع هر کدام از تخصص‌هایی که قابلیت مطالعه محیط را دارند، از یک نگاه و زاویه دید، منظر را موجودیتی یکپارچه در نظر گرفته و ممکن است دیگر ابعاد را نادیده گرفته یا آن‌ها را موضوعاتی بیشتر ذهنی قلمداد نمایند. ملاحظه می‌کنیم که هر کدام، بخشی از بدن فیل را لمس کرده‌اند و برای تکمیل طرح خود از یکپارچگی، سلامت همان قسمت را در نظر می‌گیرند. در حالی که ما با یک اکوسیستم پویا و زنده مواجهیم که همه وجوه آن، روی یکدیگر اثر می‌گذارند.

پرسش‌های تحقیق:

پرسش‌های زیر بر مبنای مسایل پیش گفته شکل گرفته است:

- ۱- هر یک از تخصص‌های مرتبط با موضوع منظر، کدام یک از وجوه یکپارچگی را در منظر می‌بینند و چگونه می‌توان آن‌ها را چنان وحدت داد که سهم همه ذی-مدخلان در برنامه‌ریزی منظر رعایت گردد؟
- ۲- چگونه می‌توان بر اساس علائمی که از منظر دریافت می‌شود، کیفیت یکپارچگی آن را در وجوه و مؤلفه‌های مختلف تعیین کرد؟

فرضیات تحقیق:

به راستی چگونه می‌توان منظر و محیط را به عنوان سوژه‌ای روایت کرد که همه تخصص‌ها در آن سهیم باشند؟ آیا مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی که تا کنون برای منظر و برای وضعیت یکپارچگی بیان شده است، می‌تواند با وجوهی که هر تخصص از منظر دریافت می‌کند، مرتبط باشد؟ مرور پیشینه و ادبیات تحقیق سعی دارد دسته‌بندی منظمی از این مؤلفه‌ها ارایه نماید تا مبنای کالبد شکافی مفاهیم و یافتن روابط باشد.

یک تحقیق اکتشافی با رویکرد توصیفی، به طور معمول در ابتدای خود فقط با سیل پرسش‌ها و طوفان افکار



مواجهه است و فرضیه عمدتاً در انتهای تحقیق تولید می‌شود.

در عین حال، اگر نظریه‌پرداز منظر طرحی داشته باشد که دیسپلین‌های مختلف را برای شناسایی منظر پای کار بیاورد و در بررسی و جمع‌بندی نهایی خود اسیر هیچ پارادایم ویژه‌ای نشوند، می‌تواند وجوه مختلف منظر را به طور هم‌زمان در تناسب با یکدیگر ارزیابی کرده و میزان یکپارچگی آن را بسنجد. اگر رابطه‌ای که مفاهیم و مؤلفه‌های منظر و یکپارچگی با یکدیگر دارند، روشن و مدلی برای فهم آن ارایه شود، نگاه تخصص‌های مختلف و سهم آن‌ها در شناخت وجوه منظر و شیوه بیان یکپارچگی در آن‌ها مشخص می‌شود و علاوه بر آن پایه‌ای نظری جهت متغیریابی برای مؤلفه‌های یکپارچگی ایجاد خواهد شد. بنا بر این فرضیه نخستین این تحقیق آن است که هر کدام از وجوه و مؤلفه‌های دو مفهوم منظر و یکپارچگی، با تخصص‌های متفاوتی رابطه دارد که با کالبدشکافی در مفاهیم وابسته به واژگان کلیدی آن‌ها، قابل شناسایی و دریافت است.

پاسخ به پرسش دوم از رهگذر پرورش فرضیه نخستین میسر خواهد شد. زیرا ممکن است هر کدام از اطلاعات و داده‌های مورد برداشت از منظر، برای هر یک از تخصص‌ها، جایگاهی متفاوت داشته باشد. پس اگر بتوان با درک و دریافت صفات منظر از هر بعد، وضعیت دیگر ابعاد را نسبت به آن ارزیابی نمود، بدین معنی است که ابعاد مختلف منظر روی یکدیگر اثرگذار هستند و این شاید نویدی برای تفسیر سامان‌مند داده‌های برداشت شده از منظر باشد.

پیشینه و تعریف واژگان

مقدمه:

گوردون کالن برای تعریف منظر شهری- که آن را هنر یکپارچگی بصری و ساختاری بخشیدن به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌هایی تعریف می‌کند که محیط شهری را می‌سازند، (کالن، ۱۳۸۲)- از بحث تمامیت و یکپارچگی کمک می‌گیرد. در مقابل منشور ونیز (UNESCO, 1964) که یکپارچگی بنا با بافت پیرامون خود را مورد تأکید قرار می‌دهد، طبعاً مؤلفه‌های محیطی و منظر را هم در ایده انسجام و تمامیت اثر، مد نظر دارد. یوکیهلتو نیز- که مشکل اصلی مفهوم یکپارچگی را در گرایش به ادغام دوباره و کمک این مفهوم در شناسایی عناصر متشکله یک کلیت ارگانیک می‌داند، (یوکیهلتو، ۱۳۸۷: ۳۲۴ و ۳۲۵)- برای تعریف یکپارچگی، نگاهی به منظر و محیط دارد. بنا بر این، پروژه شناسایی محیط به عنوان یک

موجودیت مستقل در ذهن مخاطب و درک روابط وجوه و ابعاد و عناصر درون آن همراه با پیوندهای بیرونی‌اش، همان ایده یکپارچگی است. این به خوبی نشان می‌دهد مفهوم منظر و مفهوم یکپارچگی، خویشاوندی اولیه‌ای را دارا هستند که در پیشینه پژوهش با نظم دهی به روایت‌های پیشین از مؤلفه‌های هر یک، زمینه احیای این خویشاوندی قدیمی بر اساس مؤلفه‌ها فراهم می‌شود.

منظر

با مرور معانی مختلفی که از واژه لندسکیپ و برگردان فارسی آن قابل استنباط است، پی می‌بریم که تعریف لغت‌نامه‌ای عمدتاً به جلوه مشهود منظر و آنچه که در یک نظر درک می‌شود، (تقوایی، ۱۳۹۰: ۹۰) توجه می‌کنند. اما صاحب‌نظران و اسناد جهانی در تعریف منظر، علاوه بر جنبه‌های ملموس، به فرآیندهای محیط و تجربه سکونت انسان (منصوری، ۱۳۸۳: ۷۱) و همچنین ابعاد ذهنی آن در ذهن ناظر (برک، ۱۳۹۲: ۲۶ و *Council of Europe, article chapter 1*) به نقل از عشرتی و حناچی، (۱۳۹۴: ۴۵) اشاره دارند.

مؤلفه‌های منظر

نظریه‌پردازان همچنین مؤلفه‌های مختلفی برای منظر ذکر کرده‌اند که از تعاریف و نظریه‌پردازی‌های ایشان چنین بر می‌آید که علاوه بر بعد کالبدی و قابل مشاهده منظر، یکی شکل‌گیری تدریجی و نقش عوامل و مقیاس‌های زمانی در آن و دیگری ادراک آن توسط باشندگان و ملاقات کنندگانش، برای آن‌ها اهمیت داشته است.

این سه بعد، در یکی از جامع‌ترین تقسیم‌بندی‌ها از حوزه‌های بازشناسی منظر توسط استفانسن^۱ در شکل ۱ و ۲ ارایه شده است.

در نمودار استفانسن، منظر از سه حوزه شکل‌ها، ارتباطات و فرآیندها، قابلیت بررسی یافته است. ساختارهای انسان‌ساخت، پوشش گیاهی، چهره‌های تاریخی، اشکال طبیعی زمین و ویژگی‌های باستان‌شناسی، همه در حوزه فرم‌ها معرفی گردیده است. این حوزه، همان چیزی است که در مناظر به چشم ناظر قابل مشاهده می‌باشد. در ثلث دیگر دایره، فعالیت‌های انسانی، فرآیندهای طبیعی و تاریخی، زیست‌بوم و سامانه‌های انسانی جزو حوزه فرآیندهای منظر شناخته شده‌اند و در ثلث آخر، بازشناسی منظر از نگاه مخاطبین و باشندگان آن با عنوان ارتباطات منظر تعریف شده است. داستان‌ها، زیبایی‌شناسی،



زیباشناختی (عینی)	زیباشناختی (ذهنی)، معنایی - ادایی	عملکردی - فعالیتی
وحدت و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۱		
-	معنی، فرهنگ	فرهنگ، تاریخ
عباسی، ۱۳۹۶: ۲۶۱		
بستر بصری، بستر کالبدی	بستر معنوی، بستر فرهنگی	بستر فرهنگی
پوربهادر و فدائی نژاد بهرامجردی، ۱۳۹۷: ۷۳		

تعریف یکپارچگی

برگردان مفهوم اینستگرتی^۳ در زبان فارسی، واژگان چندی را به خود اختصاص داده که مشهورترین آن‌ها یکپارچگی است. تمامیت، پیوستگی و انسجام نیز، از جمله مفاهیم نسبتاً مشابه با یکپارچگی بوده و در ادبیات تخصصی معماری و شهرسازی جایگاه خود را دارند و معمولاً شامل هماهنگی و وحدت اجزاء، وضوح و قابلیت ادراک فرم‌ها و المان‌ها، ارتباط‌ها و پیوستگی‌های بصری و ساختاری، خوانایی، فرآیند سازمان‌دهنده نظم فضایی و عامل ارتباط و اتصال واحدهای فضایی منفک و ... می‌شود. اما در حوزه میراث فرهنگی، یکپارچگی را وضعیت نشکسته و تقسیم نشده و تمامیت مادی اثر می‌دانند (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۳۲۴) که کلیت علائم مواد هنری و نشانه‌ای (طالبیان و فلاحت، ۱۳۸۸ به نقل از یونسکو ۱۹۸۹) را شامل شده و مرتبه‌ای است که در آن ویژگی‌های فیزیکی و تاریخی اثر حفظ شده (بصیری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۴) و اجزای هر مجسمه، نقاشی یا تزیین و بخش جدایی ناپذیر یک یادمان (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۳۲۴ به نقل از منشور ونیز) از مصادیق آن به شمار می‌رود.

مؤلفه‌های یکپارچگی

تقسیم‌بندی‌های مختلفی از مؤلفه‌های یکپارچگی در فضاها و محیط‌ها توسط نظریه‌پردازان انجام شده است. کامل‌ترین و ساده‌ترین مؤلفه‌ها را برای یکپارچگی در حوزه آثار تاریخی، یوکیلهتو در کتاب تاریخ حفاظت معماری بیان می‌کند که شامل بعد بصری، ساختاری و عملکردی یک سوژه می‌شود. (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۳۲۴ و ۳۲۵)

جدول ۲- تطبیق نظریه‌های دیگر در حوزه یکپارچگی در فضای شهری با مؤلفه‌های سه گانه یوکیلهتو

تصویر	عملکرد	ساختار
حفظ ساختارهای گذشته	توسعه و رشد	پیوند و در هم تنیدگی فضا، نظم سازماند، توسعه و رشد
پاتریک گلدس (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		
وحدت، حفظ ساختارهای گذشته	توسعه و رشد	نظم سازماند، توسعه و رشد
لوییس مامفورد (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		

آگاهی نسبت به فضا	توسعه و رشد، ارگانیک و زنده بودن	توسعه و رشد، ارگانیک و زنده بودن
ابر کرومبی (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		
هماهنگی، وحدت	ارگانیک و زنده بودن	ساختار، پیوند و در هم تنیدگی، نظم سازماند، ارگانیک و زنده بودن
کونین لینچ (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		
وحدت، ترکیب، سادگی، محصوریت	-	-
کلیف مائین (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		
وحدت	ارتباط	نظم، ارتباط، ساختار
ادموند بیکن (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		
زرف نگری و دید، آرایش بناهای بزرگ، ساختمان	شکل‌گیری مراکز	شکل‌گیری مراکز، رشد تدریجی و ذره ذره، رشد کل‌های بزرگتر
کریستوفر الکساندر (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		
پیچیدگی	توسعه و رشد	توسعه و رشد، ارتباط
نیکوس سالینگاروس (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		
محصوریت فضا، مقیاس و تناسب، ترکیب، آگاهی از فضا	قلمرو	هم پیوندی واحدهای مسکونی و عناصر شهری
محمود توسلی (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		
هماهنگی، تقارن، تناسب، ریتیم، مقیاس انسانی	-	-
نوبن تولایی (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱۱)		
رعایت پیوستگی بصری		رعایت پیوستگی ساختاری و ارتباط‌ها
پورسراجیان، ۱۳۹۴: ۴۴		
بلوک یا ساختمان	کاربری	خیابان
مختارزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۳		
پیوستگی فضایی، پیوستگی نمادین	پیوستگی فعالیتی - اجتماعی	پیوستگی کالبدی
یگانه و بمانیان، ۱۳۹۴: ۴۱۴		
طرح، آرایه، احساس، پیوستگی‌ها		پیوستگی‌ها، مصالح، فن ساخت، موقعیت مکانی
هفت جنبه یکپارچگی در امریکا (یوکیلهتو، ۱۳۸۷: ۳۲۴ و ۳۲۵)		
ویژگی‌های فیزیکی	-	ویژگی‌های تاریخی
بصیری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰۴		

پوربهادر و فدائی نژاد بهرامجردی (۱۳۹۷: ۷۱) نیز همان مؤلفه‌ها را در نمودار ساده‌ای در حلقه‌هایی پیرامون مفهوم اصلی جای داده‌اند. با این تفاوت که دو جنبه ملموس و ناملموس را در حلقه‌ای میانی جای داده و علیرغم اینکه حلقه مؤلفه‌های



پژوهش حاضر نیز در راستای مطالعات موردی دیگری تهیه شده است که در نظر دارد روابط میان مؤلفه‌های شش گانه را با غور و تعمق در درون آن تبیین کند، از همان ابتدا رویکردی اکتشافی داشته است.

سامانه‌ای از منابع که حدود ۱۵ هزار یادداشت تحقیقی توسط نگارنده در آن تهیه شده، کلیه ارجاعات در مقاله حاضر را پشتیبانی می‌کند. روش کار بدین صورت بود که حدود ۱۳۰۰ مقاله که هر کدام به نحوی مرتبط با حوزه منظر بود، توسط نگارنده مطالعه گردید. پس از آن فیش نویسی از مطالب مهم این مقالات و همچنین سرتیترهای داخلی آن‌ها شروع شد. هر فیش، یک سند یا فایل word بود که خلاصه‌ای از متون داخلی و کلمات کلیدی مورد استفاده در آن در نام سند حضور داشت. سپس نام همه این فایل‌ها در یک فایل اکسل که ۱۵ هزار رکورد داشت، ذخیره شد و سامانه‌ای از کلمات کلیدی مرتبط با شش مؤلفه اصلی، فیلترهایی روی رکوردها اعمال می‌کرد که موجب حذف فیش‌های نامربوط می‌شد. در این میان برای سنجش رابطه دو به دوی هر جفت از مؤلفه‌ها، فیلترهای ترکیبی اعمال می‌شد. به طور مثال:

- فرم و فرآیند، فرم و ارتباط، ارتباط و فرآیند
- تصویر و ساختار، ساختار و عملکرد، تصویر و عملکرد
- فرم و تصویر، فرم و ساختار، فرم و عملکرد
- فرآیند و تصویر، فرآیند و ساختار، فرآیند و عملکرد
- ارتباط و تصویر، ارتباط و ساختار، ارتباط و عملکرد

در انتها آنچه که در این صافی‌های دیجیتالی باقی ماند، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و حاصل بخشی از آن‌ها در جداول ۱ تا ۴ ارایه شده و بخش‌هایی دیگر از آن‌ها در لابلای یافته‌ها و بحث در باره این شش مؤلفه و در راستای یافتن یک مدل مفهومی جدید مورد استفاده قرار گرفتند.

حاصل فرآیندی که ذکر شد، در قسمت پیشینه، نظریه-های مختلف در خصوص مؤلفه‌های مربوط به مقوله منظر و مقوله یکپارچگی، مورد بررسی قرار گرفته و خلاصه آن پس از انتخاب جامع‌ترین تقسیم‌بندی از مؤلفه‌ها، در جداولی تطبیقی ارایه شده است. در این قسمت از پژوهش سعی بر تلفیق مفاهیم شش گانه بوده است و در این راستا، پتانسیل‌های هر یک از مفاهیم در جهتی که بتواند اشتراکات خود را با مفاهیم دیگر به نمایش بگذارد، بررسی شده است. شاید این تحقیق در بخشی از این رویکرد اکتشافی تا حدودی به نظریه تلفیق مفهومی نزدیک شده باشد. این نظریه سعی دارد چگونگی ایجاد و درک مفاهیم حاصل از کنار هم قرار گرفتن عناصر مختلف زبانی و غیر زبانی را روشن کند.

یکپارچگی را به سه قسمت تقسیم کرده است، اما به نظر می‌رسد جای ملموس و ناملموس را به درستی تشخیص نداده است. (شکل ۳)

به دلیل اینکه طرح موضوع یکپارچگی در حوزه مناظر، با هدف حفاظت صورت می‌گیرد و ایده اساسی تمامیت نیز از حوزه‌های میراث فرهنگی به این حوزه انتقال داده می‌شود، لذا نظریه یوکیهلتو به عنوان معیار سنجش انتخاب کرده و دیگر دیدگاه‌ها در جدولی به صورت تطبیق شده با آن مورد سنجش قرار می‌گیرند. (جدول ۲)



شکل ۳: نموداری برای چارچوب نظری یکپارچگی در منظر شهری تاریخی که تکرار همان مؤلفه‌های یوکیهلتو است. (یوربهادر و فدائی نژاد بهرام‌جردی، ۱۳۹۷: ۷۱)

روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های توصیفی و تبیینی و با رویکرد کیفی است. تمرکز بر فهم و جهت‌گیری اکتشافی از خصوصیات روش‌های کیفی در تحقیق می‌باشند. (ملک، ۱۳۹۲: ۱۲۰) این پژوهش‌ها معمولاً به یک فرضیه منتهی می‌شود و از این جهت به نوعی مطالعات تولید فرضیه است. (درتاج و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۰) به عبارتی به جای اینکه فرضیه در ابتدای پژوهش باشد، در انتهای پژوهش ارایه می‌گردد و زمینه را برای متغیربایی و تحقیقات کمی در آینده آینده جهت آزمایش این فرضیه آماده می‌کند.

گروت و وانگ، مطالعات ساخت نظریه را از جمله انواع تحقیق می‌دانند که در یک مطالعه موردی استفاده می‌شود که واجد هدف‌های تبیینی و اکتشافی است. (گروت و وانگ، ۱۳۸۴: ۳۴۹)





شکل ۴: نموداری از شش مفهوم اصلی در مؤلفه‌های منظر و مؤلفه‌های یکپارچگی

فرم:

فرم^۴ واژه‌ای اروپایی است که در دوران قاجار و پهلوی به واژگان پارسی وارد شد و همچنان در حال استفاده است. معانی فرهنگ‌نامه‌ای واژه فرم، شامل شکل، صورت، رسم و طرز رفتار، قالب و نمونه، (دهخدا) ریخت، شکل، وضع، جامه، (معین، ۱۳۶۳) مدل و یونیفرم (عمید، ۱۳۷۵) است و بعضاً در مقابل واژه محتوا تعریف شده است. معادل فارسی/ عربی واژه فرم، کلمه شکل و معادل پارسی اصیل آن کلمه ریخت است.

واژه ریخت، از ریشه ریختن گرفته شده و شاید ذهن را به سمت ریخته‌گری ببرد که یکی از شیوه‌های رایج جهان برای تولید فرم‌ها (از گذشته تا امروز) مورد کاربرد بوده است. یعنی واژه ریخت به سازوکار و ساختاری که شکل‌ها از آن ساخته می‌شوند، اشاره دارد. اشاره مفهومی فرم به ساختار، تنها در حد این ریشه واژگانی نیست. اسپیرن اشاره می‌کند که ذهن، شکل را بر اساس آگاهی از ساختار تکمیل می‌کند. زیرا شکل واضح و ملموس است و ساختار ممکن است پنهان باشد. (اسپیرن، ۱۳۸۷: ۱۴۹) بروز ساختار در فرم و فرم در ساختار، یکی از جلوه‌های یکپارچگی و وحدت است. (همان: ۱۸۶)

از سوی دیگر کلمه ریخت‌شناسی معادل فارسی کلمه مورفولوژی^۵ در زبان‌های غربی است و به عنوان یکی از مشتقات واژه ریخت شمرده می‌شود. در ریخت‌شناسی، شباهت‌های شکلی تجزیه و تحلیل گردیده و بدین صورت، حوزه تصویری هم فعال می‌شود. چرا که برای درک تفاوت‌ها یا شباهت‌های ریختی، در واقع تصویر آن-هاست که با یکدیگر مقایسه می‌گردد. ذهن ما با نگاه به فرم‌ها، لزوم چیزی نمی‌بیند. بلکه از نگاه به تصویر و بررسی تشابه یا تفاوت آن با دیگر تصاویر مشاهده شده

گاهی مفاهیم در کنار هم قرار می‌گیرند و مفهومی نوظهور را در ذهن اهل زبان پدید می‌آورند که یا در خود واژه‌ها وجود ندارد و یا از تلفیق آن‌ها استنباط نمی‌شود. (دادرس و دیگران، ۱۳۹۸: ۲)

پس از آن، در قسمت یافته‌ها و بحث، مؤلفه‌های اصلی در بحث منظر و یکپارچگی با رویکردی اکتشافی- که در زمره روش‌های کیفی ناب محسوب می‌گردد- (کشمیری و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۱) مورد معناشناسی و بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و رابطه هر کدام از مؤلفه‌ها با مؤلفه‌های متناظر خود روشن می‌شود. در نهایت، مطابق انتظاری که از یک تحقیق اکتشافی برای یک طرح‌واره ذهنی بهتر می‌رود، (گروت و وانگ، ۱۳۸۴: ۳۷۶) آن‌ها را به یک مدل مفهومی خلاقانه انتقال می‌دهد که هم روابط میان تخصص‌های درگیر در شناخت منظر را توضیح می‌دهد و هم راهبردی برای روش جست‌وجوی متغیرها جهت مستندسازی مؤلفه‌های یکپارچگی در مناظر ارایه می‌کند.

یافته‌ها و بحث

بر اساس پیشینه پژوهش و جداولی که به عنوان جمع-بندی نظریات ذیل مؤلفه‌های سه‌گانه استفانسن برای منظر و یوکیهلتو برای یکپارچگی ارایه شد، اکنون شش مفهوم در دو گروه سه تایی وجود دارد که رابطه آن‌ها با یکدیگر مورد جست‌وجوی ادامه این پژوهش است و شناسایی دنیای مفهومی هر کدام از این مؤلفه‌ها فارغ از وابستگی آن‌ها به بحث منظر یا یکپارچگی صورت می‌گیرد. لغات، تجرید را در فرآیند تفکر علمی محقق می‌کنند و هایدگر، زبان را خانه هستی می‌نامد. (براتی، ۱۳۸۲: ۶) لذا بررسی لغت شناسانه این شش واژه (شکل ۴) در مسیر فرآیند علمی این تحقیق از این جهت ضرورت دارد که ذهنیت‌های وسیع و متعدد انباشته شده در پس این واژگان را- که عمده هستی آن‌هاست- آشکار کرده و برخی پیوندهای باطنی و دلالت‌های معنایی مشترک و متشابه لغات را با یکدیگر نشان می‌دهد.



فرهنگ‌نامه‌ای این واژه مجموعه عملیات و مراحل لازم برای رسیدن به یک هدف مشخص و مجموعه عملکردهای مختلف برای حصول نتیجه‌ای معین تعریف شده است.

منظور استفانسن از فرآیند، روند، روال یا مراحل و کلیه اتفاقات و رویدادهایی است که در محیط رخ داده‌اند و یا در حال رخ دادن هستند. فرآیندهای یک محیط معمولاً مطابق الگوهای زمانی رخ می‌دهند. اگر از جنس زیست‌بوم باشند با اقلیم و توپوگرافی، فعالیت خود را نشان خواهد داد و اگر از جنس مسایل انسانی مانند اقتصاد باشند، به تدریج از پتانسیل‌های سرزمین و الگوهای رشد جمعیت پدید آمده و در تغییرات عملکردی قابلیت شناسایی می‌یابند^۵ و در نهایت حاصل همه آن‌ها چیدمان اجزا در ساختار و شکل و تنوع یافتن به عنوان حاصل کلیت (الکساندر، ۱۳۹۲: ۷۴) است. در واقع فرآیندها، شرح جریانات و تحولاتی است که شواهد آن در مؤلفه‌های ساختاری و عملکردی محیط قابل مشاهده است. رابطه این سه مؤلفه نیز مانند شکل ۷ می‌باشد.



شکل ۷: رابطه مؤلفه فرآیندها از منظر با مؤلفه‌های ساختار و عملکرد از یکپارچگی

ارتباط:

ارتباط، در فرهنگ‌های لغت به معنی بستگی، پیوستگی، پیوستن، ربط، رابطه، تماس، پیوند، دلبستگی، علاقه، وفاق و ... معنی شده و منظور استفانسن از واژه ارتباط، رابطه‌ای است که یک منظر با مخاطبان خود دارد. حوزه‌ای که شامل تمامی فاکتورهای تعلق باشندگان به محیط می‌شود. مکان، حس مکان، تعلق، حس تعلق و حس تعلق به مکان در ادبیات معماری و شهرسازی به این مفهوم در مؤلفه‌های استفانسن نزدیک است. حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است،

پیشین (عینی یا ذهنی) - مانند شکل ۵ و تصاویری که در ابرها برای ما تداعی می‌شود - معانی ویژه‌ای استنباط می‌کند. در سوژه‌های عینی، تحلیل ساختارگرایانه است که شباهت میان اشکال را برای انسان توجیه می‌کند. دانه - های پف فیل، هیچ کدام شبیه به هم نیستند. اما ساختار و نحوه شکل‌گیری آن‌ها، همه را شبیه به هم معرفی می‌کند. اهری (۱۳۹۵: ۵۹) رویکرد ریخت‌شناسانه برای شناخت ساختار را جست‌وجوی کلیت شکل یافته از عناصر مرتبط به هم می‌داند و از اهمیت نمادین صورت عناصر در شکل دادن به این کلیت می‌گوید.



شکل ۵: نمونه‌هایی از شبیه‌سازی تصویری در ابرها و ارجاع ذهن به آنچه که قبلاً مشاهده کرده است. منبع: http://www.fardanews.com/files/fa/news/1394/2/6/288811_724.jpg

پس مشاهده می‌شود که مانند آنچه که در شکل ۶ ارایه شده است، مؤلفه فرم از سویی با مؤلفه ساختار و از سوی دیگر با مؤلفه تصویر نسبت داشته و در هر دوی آن‌ها قابل پیگیری می‌باشد.



شکل ۶: رابطه مؤلفه فرم از منظر با مؤلفه‌های ساختار و تصویر از یکپارچگی

فرآیند:

فرآیند از واژگان ابداعی معاصر بود^۶ که به عنوان معادلی فارسی برای واژه غربی پروسه^۷ - که خود نیز به همان شکل در زبان فارسی رواج یافته بود، در نظر گرفته شد. معانی



بشر می‌داند (لینچ، ۱۳۹۲: ۲۴۰) که همان دو قطبی عینی و ذهنی است.

پورجعفر و دیگران (۱۳۹۳: ۹۶ و ۹۷) که زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر را به دو گروه ابعاد بصری- فرمی و ابعاد ادراکی- معنایی تقسیم می‌کنند و برای هر کدام مواردی را مثال می‌زنند، به همین دو حالت عینی و ذهنی تصویر اشاره دارند. اگر وجه عینی تصویر را حاصل فرم‌های موجود در محیط دانسته شود، وجه ذهنی آن را می‌توان متأثر از ارتباطات مخاطبین با محیط منظور کرد. در مدلی که جوادی و دیگران (۱۳۹۴: ۱۵۱)، از مفاهیم و مؤلفه‌های مشترک مکان و هویت ارایه می‌دهند، تصورات ذهنی به صورت معنا وارد کیفیت مکان می‌شود. همچنین در نمودار دیگری که طاهره نصر ارایه می‌دهد، هم عامل فرمی و هم عامل معنایی را در خلق تصویر شهر در ذهن شهروند دخیل می‌داند. (Nasr, 2016: 61) بنا بر این، تصویر هم تداخل خود را در دو مؤلفه منظر یعنی فرم و ارتباط نشان می‌دهد. (شکل ۹)



شکل ۹: رابطه مؤلفه تصویر از یکپارچگی با مؤلفه‌های فرم‌ها و ارتباطات از منظر

ساختار:

ساختار هم کلمه‌ای جدید و از دوران معاصر است که به عنوان معادل کلمه استراکچر^{۱۱} از زبان‌های فرهنگی به دلیل نارسایی واژگانی مانند ساختمان، ساخت، نهاد، وضع و ترکیب، ابداع شد و به معنای شکل و ترکیبی است که شیوه ساخت یک سوژه را نشان می‌دهد. یعنی ساختار در بطن معنای لغوی خود هم به فرم اشاره می‌کند و هم به شیوه پدید آمدن یا فرآیندهای منتهی به تولید فرم. در حالی که از هر دو مفهوم مجزاست. غفاری و دیگران (۱۳۹۱: ۶۹) سه دسته شاخص‌ها را برای شناسایی ساختار

می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمیق شود. (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۸ به نقل از Relph, 1976) اما مفهوم مکان، زمانی معنا پیدا می‌کند که درک حسی از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود بر جای گذاشته باشد. (آتشین بار، ۱۳۸۸: ۵۲)

در مدل مفهومی مکان و اجزای آن که کاتر (۱۹۷۷) ارایه می‌کند، فرم در رأس هرم است و دو سوی قاعده هرم، مقوله‌های فعالیت و تصویر ذهنی جای گرفته‌اند (جوادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۸) که ترکیب جنبه عملکردی و جنبه بصری^۹ را در مؤلفه ارتباطی مکان با مخاطبین نشان می‌دهد. بنا بر این مفهوم مکان، به عنوان سمبل وجه ارتباطی محیط/ منظر بر مبنای نیازها و تصورات ذهنی ناشی از آن‌ها در ذهن بشر شکل گرفته و تبدیل به سوژه- ای برای مخاطبان خود می‌شود. بنا بر این در اینجا هم رابطه‌ای دوسویه میان وجه ارتباطی محیط با تصاویر و عملکردهای خود وجود دارد که در شکل ۸ به نمایش گذاشته شده است.



شکل ۸: رابطه مؤلفه ارتباطات از منظر با مؤلفه‌های عملکرد و تصویر از یکپارچگی

تصویر:

معنای فرهنگ‌نامه‌ای تصویر^{۱۰} به فعل صورت کردن (دهخدا، ۱۳۷۷)، تصویرگری، صورت سازی، شرح و بیان (معین، ۱۳۶۳) تعبیر شده است. کلمات *Picture* و *Image* در انگلیسی از معادل‌های اصلی کلمه تصویر است که مورد نخست بر تصاویر عینی و دومی بر تصاویر ذهنی اشاره دارد. بسیاری از مطالعات شهری، بر این دو وجه از تصویر اشاره دارند. لینچ ایجاد تصویر محیط در ذهن ناظر را حاصل جریانی دوجانبه بین ناظر و منظر و فرم خارجی عوامل موجود در منظره اما با چیدمانی بر اساس نیازهای



ندیمی (۱۳۹۸: ۵۸) از ظهور کیفیت در نتیجه شناخت وجوه و لایه‌های مختلف معنی ارایه می‌دهند، فرآیندی از تبدیل داده‌های محیط واقعی به قضاوت مخاطبین را به تصویر می‌کشند که در آن، معنای عملکردی مستخرج از فرم به معنای فراعلمکردی و پس از آن به معنای واکنشی تبدیل شده و قضاوت باشندگان در محیط را شکل می‌دهد و به خوبی نشان دهنده رابطه میان عملکردها و دنیای ارتباطات در محیط و منظر است. ارزیابی نقش عملکرد و فعالیت در هویت محیط از نگاه راپورت شامل چهار جزء اصلی می‌شود که عبارتند از: خود فعالیت، شیوه خاص انجام فعالیت، فعالیت‌های الحاقی و مجاور و نهایتاً معنی فعالیت ذکر شده است. (دانشپور، ۱۳۸۳: ۶۶ و ۶۷) معنی فعالیت را ناشی از همان وجه ارتباطی آن و شیوه انجام آن را می‌توان ناشی از فرآیندها دانست. بنا بر این عملکرد را می‌توان ناشی از تعامل دو وجه ارتباطی و فرآیندی منظر دانست. (شکل ۱۱)



شکل ۱۱: رابطه مؤلفه عملکرد از یکپارچگی با مؤلفه‌های فرآیندها و ارتباطات از منظر

آنچه که بیان شد، حاصل کنکاشی بود که در روابط شش مؤلفه اصلی به عمل آمد که ترکیب و تداخل معنایی آن‌ها با یکدیگر را مطابق الگوی جدولی زیر نشان می‌دهد. حال اگر بخواهیم فهرستی از آن‌ها در کنار هم همراه با مرور اشتراکات معنایی آن‌ها ارایه دهیم، از راست به چپ به صورت شکل ۱۲ خواهد بود: تصویر، فرم، ساختار، فرآیند، عملکرد، ارتباط و دوباره تصویر.



فضایی شهر ذکر می‌کنند که شامل ویژگی‌های هندسی بر اساس اندازه و شکل، موضوعی بر اساس داده‌های اجتماعی-اقتصادی و توپولوژیک بر اساس مجاورت‌ها می‌شود که از این میان، ویژگی‌های هندسی با مؤلفه فرمی و دو مورد دیگر با مؤلفه فرآیندی منظر مرتبط هستند.

از دیدگاه ساختارگرایان فرآیندگرا، سازماندهی شهر از طریق رشد تدریجی در مقیاس خرد و کلان انجام می‌شود. (تولایی، ۱۳۸۱: ۱۳) در واقع ساختار چیدمانی از فرم‌های مختلف و فعالیت‌های متنوع است که سطح-بندی مقیاس و میزان جزئیات آن‌ها حاصل فرآیندهای طی شده بر آن بوده و موجب انتخاب‌های روش‌مندی می‌شود که واجد الگوست. (الکساندر، ۱۳۹۲: ۸۶) و برای مطالعه ساختار باید این الگو را شناخت. پس مطابق شکل ۱۰، شناسایی مؤلفه ساختار در ایده یکپارچگی با شناسایی

مؤلفه‌های فرم و فرآیند در محیط وابستگی متقابل دارد.



شکل ۱۰: رابطه مؤلفه ساختار از یکپارچگی با مؤلفه‌های فرم‌ها و فرآیندها از منظر

عملکرد:

عملکرد در فرهنگ‌نامه‌ها به معنای نتیجه کار، حاصل و محصول، (دهخدا، ۱۳۷۷) کارکرد، حاصل، راندمان، نتیجه و فعالیت (معین، ۱۳۶۳ و عمید، ۱۳۷۵) معنا شده است. آنچه که در مفهوم واژه عملکرد منظور نظر است، حاصل و خروجی یک فعل و انفعال است که در مواجهه با محیط بیرونی و به‌خصوص برای مخاطبین آن عمل معنا می‌دهد. یعنی کسانی که با سوژه کار خواهند داشت.

عملکرد حاصل فعالیت‌ها و فرآیندهای طی شده در محیط است^{۱۲} که چون توسط عاملان انسانی صورت می‌گیرد، با ارزش‌های ناشی از وجه ارتباطی محیط با مخاطبان‌ش گره خورده است. در نموداری که رحمانی و

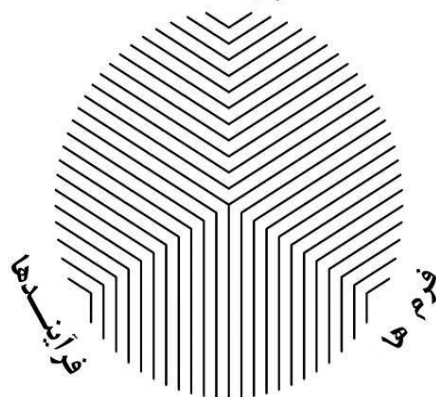


شکل ۱۲: جای گیری تداخلات معنایی و همنشینی مفاهیم شش گانه

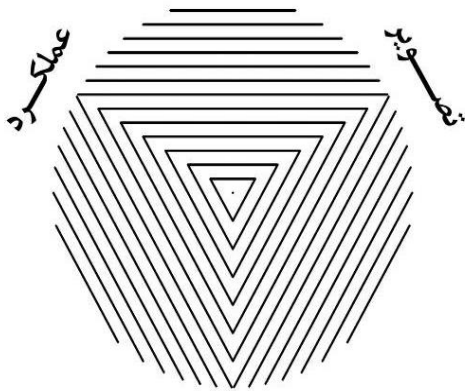
مؤلفه تصویر دو بار تکرار شده است و اگر شش مؤلفه را پیرامون یک دایره بچرخانیم، این مشکل برطرف خواهد شد. (شکل‌های ۱۳ تا ۱۵) با این چیدمان می‌توان از آمیختگی مصداق‌هایی که توسط دیگر نظریه-پردازان برای وجه فرآیندی، ارتباطی و فرمی مناظر ارایه می-شود، خلاص شد. اکنون سه مؤلفه بینابینی دیگر (تصویر، ساختار و عملکرد) در اختیار است که تا حدودی مفاهیم میانی را پوشش می‌دهند.

روابطی که میان این شش مؤلفه در این نمودار وجود دارد، تنها محدود به مؤلفه‌های مجاور و آمیختگی معانی در رنگین کمان مفهومی آن‌ها نیست. بلکه میان مفاهیم مقابل نیز رابطه‌هایی وجد دارد. مثلاً فرم و عملکرد با یکدیگر رابطه دارند. در حالی که رو به روی هم هستند. ارتباطات و ساختار نیز با یکدیگر رابطه دارند و می‌توان از ساختار یک محیط مصنوع حداقل به بخشی از روابطی که افراد جامعه با یکدیگر و با محیط دارند، پی برد. در واقع «ساختار، گرایش، حفاظت و بازسازی منظرها به درک ما از رابطه بین انسان و مکان کمک می‌کند.» (نادعلیپور، ۱۳۹۵: ۳۰، به نقل از: Huff, 2008: 21) پس ممکن است که تصویر و فرآیند نیز با یکدیگر مرتبط باشند. پس موقتاً روابط مجاور و روبرو به شکل پیکان‌هایی متفاوت میان آن‌ها نشان داده و نمودار را به صورت شکل ۱۶ ترسیم می‌شود.

ارتباطات



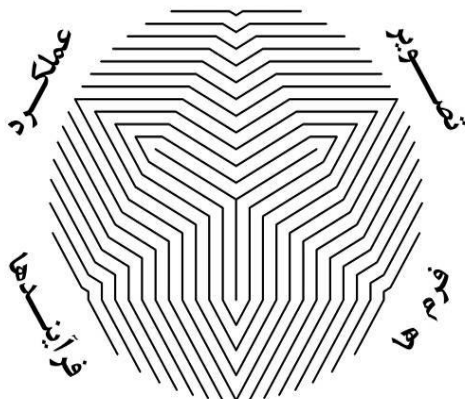
شکل ۱۳: مؤلفه‌های منظر از دیدگاه استفانسون



ساختار

شکل ۱۴: مؤلفه‌های یکپارچگی از دیدگاه بوکیهلتو

ارتباطات

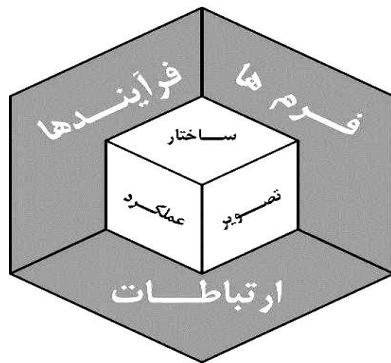


ساختار

شکل ۱۵: ترکیب مؤلفه‌های منظر و مؤلفه‌های یکپارچگی (نگارنده)^{۱۳}

در این نمودار، هر کدام از مؤلفه‌های منظر با هر سه مؤلفه یکپارچگی دارای رابطه‌اند و هر کدام از مؤلفه‌های یکپارچگی نیز با هر سه مؤلفه منظر دارای رابطه منظور شده‌اند. روابط مؤلفه‌های مجاور به صورت خطوط ممتد و روابط میان مؤلفه‌های مقابل هم به صورت خطوط ترام‌دار، ترسیم شده است. این ارتباطات برای روشن کردن حد و مرزها مناسب است. اما تا تحلیل وضعیت یکپارچگی در منظر هنوز مقداری فاصله وجود دارد.





شکل ۱۸: ترکیب مؤلفه‌های یکپارچگی و مؤلفه‌های

محیط / منظر در مدل مفهومی جدید

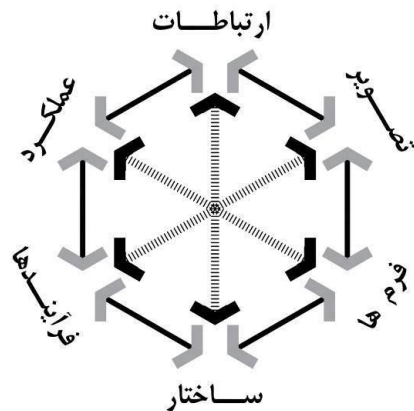
اکنون برای اینکه هر دو با هم نمایش داده شوند، یکی از نیمه مکعب‌ها (ترجیحاً آنکه حامل مؤلفه‌های منظر است^۴) بزرگتر شده و دیگری در داخل آن ترسیم می‌شود تا استعاره‌ای از درون و بیرون هم باشند. (شکل ۱۸)

در این مدل، سه صفحه (به رنگ خاکستری) حامل مؤلفه‌های محیط هستند و سه صفحه دیگر (سفید رنگ) حامل مؤلفه‌های یکپارچگی می‌باشند. روابط مجاور و مقابل در نمودار پیشین، روی این نمودار نیز صدق می‌کند. صفحه تصویر، مرتبط با دو صفحه فرم‌ها و ارتباطات، صفحه ساختار مرتبط با دو صفحه فرم‌ها و فرآیندها و صفحه عملکرد مرتبط با دو صفحه ارتباطات و فرآیندها می‌باشد. همچنین، صفحه عملکرد در مقابل صفحه فرم‌ها، صفحه ساختار در مقابل صفحه ارتباطات و صفحه تصویر در مقابل صفحه فرآیندها قرار دارد.

تخصص‌های درگیر در منظر مطابق مدل مفهومی

پیش از آنکه شیوه سنجش یکپارچگی، از استعاره‌های موجود در این نمودار استخراج شود، برای پاسخ به پرسش نخستین، جایگاه تخصص‌های مختلف در مطالعه و دریافت ویژگی‌های محیط تبیین می‌گردد. بهتر است که از مؤلفه‌های روبروی هم آغاز شود. اگر تخصص‌هایی که به طور مستقیم درگیر در مطالعه منظر می‌باشند، به سه دسته معماری، شهرسازی و علوم محیطی تقسیم شود، شاید بتوان سه زاویه دید به این مکعب برای آن‌ها در نظر گرفت. این سه زاویه در مدل مفهومی موجود در شکل ۱۹ نمایش داده شده‌اند.

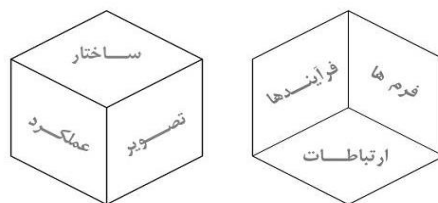
هر کدام از تخصص‌ها و نگاه‌های مختلف از یک زاویه به این مکعب نگریسته و صفحات رو به روی خود را می‌بینند و با توجه به تجربیات مشابه، دیگر صفحات را در ذهن خود بازسازی می‌کنند.



شکل ۱۶: انواع روابط میان مؤلفه‌ها در مدل مفهومی یکپارچگی در منظر؛ کیفیت روابط میان مفاهیم مجاور احتمالاً با کیفیت روابط میان مفاهیم رو به رو متفاوت خواهد بود.

پیش به سوی یک مدل مفهومی جدید

هر کدام از مؤلفه‌های منظر و یکپارچگی، حامل بعدی از ابعاد آن‌ها می‌باشند. اینکه یوکیهلتو از یکپارچگی بصری، ساختاری و عملکردی سخن می‌گوید، بدین معناست که انسجام می‌تواند در ابعاد مختلف یک سوژه مشاهده شود و اینکه استفانسن حوزه‌های فرم، فرآیند و ارتباط در مناظر را از یکدیگر تفکیک می‌کند، معنای آن امکان بازشناسی منظر از هر کدام از این ابعاد است. اگر مدل نمایش دهنده این ابعاد باشد، شاید می‌بایست آن را روی شکلی سه‌بعدی مانند مکعب نمایش داد. خوشبختانه مکعب شش وجه دارد و در اینجا هم شش مفهوم در اختیار است. پس هر دسته از مؤلفه‌های منظر و مؤلفه‌های یکپارچگی مانند شکل ۱۷، روی سه وجه از مکعب (یا یک نیمه مکعب) مستقر می‌شوند.



شکل ۱۷: استقرار هر کدام از مؤلفه‌های منظر و مؤلفه‌های یکپارچگی روی یک نیمه مکعب



- نگاه شهرسازی: توجه گروهی از متخصصین شهرسازی به ساختار محیط (مانند شبکه معابر شهر) و گروهی دیگر به مباحث اجتماعی و انسانی (مانند حس تعلق به مکان، معنا در محیط و ...)
- نگاه علوم محیطی: تخصص علوم جغرافیا در مستندسازی بصری و تفسیر تصاویر هوایی و تخصص محیط زیست، متخصص در پایش فرآیندهای تغییر محیط
- نگاه معماری: قطب‌بندی آشکار در دنیای معماری بین فرم-گرایان و عملکردگرایان.

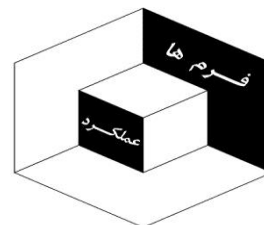
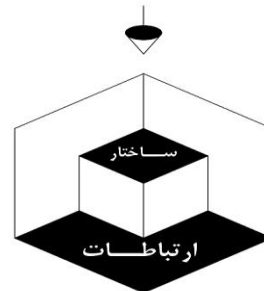
مثلاً در نگاه علوم محیطی، جغرافی دانان، تصاویر محیط را در مقیاس‌های مختلف تجزیه و تحلیل کرده و حاصل آن را تبدیل به نقشه می‌کنند. اما آنچه که برای محیط زیست مهم است، نه صرفاً این نقشه‌های رنگارنگ بلکه فرآیندهای تغییر و پایداری محیط است. متخصصین شهرسازی به ویژه در اوایل شکل‌گیری این دیسیپلین، عمدتاً به شبکه و ساختار شهر تأکید داشتند. اما پس از جنگ جهانی دوم روی مفاهیم اجتماعی، محله و حس تعلق در اجتماعات انسانی تمرکز یافتند. (لشکری و خلج، ۱۳۹۳: ۱۳) و اکنون نیز پژوهشگران شهری که مدعی نگاه عمیق‌تری به شهر هستند، مسایل اجتماعی و انسانی و دریافت عاطفی شهروندان را هدف قرار داده‌اند. اما قطب‌بندی بین معماران فرم‌گرا و عملکردگرا در گذشته در بسیار واضح‌تر از دیگر علوم بوده است. لذا نگاه هر کدام از این تخصص‌ها به صورت یک دید ترسیم فنی دقیق است که علیرغم اینکه برای خود دید علمی و نگاه کارشناسی دارد، در دو قطبی‌های درونی خود اسیر افتاده و حاضر نیست که از ابعاد دیگر به سوژه و محیط پیرامون آن نگاه کند.

در این میان متخصصین منظر، مقداری وسیع‌تر فکر کرده‌اند. وقتی کوین لینچ از عناصر ذهنی و عینی تشکیل‌دهنده تصویر شهر یاد می‌کند، در واقع رابطه صفحه تصویر را با صفحات مرجع آن (یعنی صفحه فرم و صفحه فرآیند) دنبال می‌کند. وقتی اسپیرن از داستان‌هایی که مناظر برای ما روایت می‌کنند سخن می‌گوید، هم‌زمان به صفحه فرآیندها و صفحه ارتباطات و گاهی صفحه ساختار با هم نظر دارد. بنا بر این مشاهده می‌شود که تنها در حوزه نگاه منظری است که برخی محققین سعی کرده‌اند که چند صفحه را در ارتباط با هم مشاهده کنند و از دید تک محوری و فنی دیسیپلین‌های خشک و بی‌روح فاصله بگیرند.

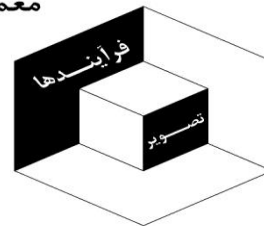
نقد منظر، به دلیل ماهیت چندرشته‌ای، نیازمند رویکردی جامع و بی‌طرفانه است. نتیجه این رویکرد، شکل‌گیری فرایند همراه با معیارهای علمی است که بتواند مشروعیت علمی را کسب کند. (مهربانی گلزار، ۱۳۹۰: ۱۷، به نقل از: Chomarar - Ruiz. C, 2008)

محدودیت‌های مرتبط با رشته‌های علمی در بررسی تک‌بعدی منظر در این نمودار به خوبی قابل مشاهده است. هر کدام از رشته‌های علمی، قابلیت مستندسازی بخشی از مؤلفه‌های رو به روی خود را در منظر و محیط دارند. مثلاً در علوم محیطی، متخصصین جغرافیا در تفسیر تصاویر هوایی مهارت دارند و شناخت فرآیندهای زیست‌بوم با متخصصین محیط زیست می‌باشد. شهرسازان ساختار شهر را مستندسازی و آنالیز می‌کنند. اما در تحلیل ارتباطات محیط از متخصصین علوم اجتماعی کمک می‌گیرند. معماران نیز در حوزه‌های فرم و عملکرد، قدرت تجزیه و تحلیل دقیق‌تری دارند. اما نقطه ضعف همه این تخصص‌ها، در نگاه تک‌بعدی به منظر است. در یک موضع کاملاً علمی و دقیق، هیچ کدام از این تخصص‌ها حاضر نیست از ابعاد دیگری به سوژه و محیط نگاه کند. علاوه بر آن، همین نگاه‌های تک‌بعدی علمی، قطب‌بندی‌هایی در درون خود دارند.

شهرسازی



معماری



علوم محیطی

شکل ۱۹: نگاه‌های تک‌محوری در تخصص‌های سه‌گانه معماری، شهرسازی و علوم محیطی و قطب‌بندی‌های حاصل از آن در مدل مفهومی ویژه این پژوهش (مأخذ: نگارندگان)



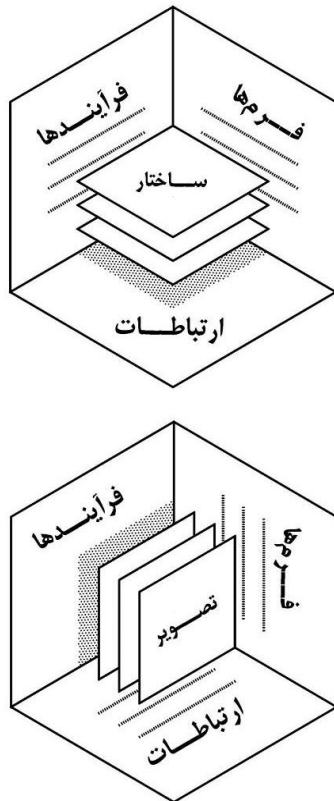
بهره‌برداری از مدل برای تعبیر و سنجش یکپارچگی در مناظر

یکی از ویژگی‌های یک مدل مفهومی باید این باشد که قابلیت کمیت‌پذیری داشته باشد. یعنی با پژوهش‌های پسین بتوان مؤلفه‌های آن را متغیرپذیر کرده و آن‌ها را مورد اندازه‌گیری عددی قرار داد. پس مدل مفهومی بایستی بتواند حالت‌های مختلفی از وضعیت را به ما نشان دهد و تغییرپذیر باشد. ساده‌ترین مدل‌ها در واقع همان نمودارهای کروی و ستونی است که در محیط اکسل آمار و جداول را روی آن‌ها نشان می‌دهیم. متأسفانه در بسیاری از اسناد مورد مطالعه، معنای مدل مفهومی درست درک نشده و مدل مفهومی ارایه شده در پایان برخی از این مقاله، چیزی جز تقسیم‌بندی حوزه‌های مفهومی موضوع پژوهش نیست.

البته از محدود نمونه‌های مثبت، مثلاً پژوهش اخیر عندلیب و ابراهیمی (۱۳۹۷: ۷۱) است که مدلی برای ارزیابی نوسازی با وضعیت‌های مختلفی از نوسازی متوازن تا ناممکن ارایه می‌دهند. برخی از مدل‌های مفهومی نیز، فرآیند یک رخداد را به نمایش می‌گذارند. مانند مدلی که نظیف و مطلبی (۱۳۹۸: ۷۴) برای فرآیند خوانایی با تکیه بر تصور ذهنی ارایه می‌دهند.

برای مدلی که در پژوهش حاضر بدان دست یافته ایم، اگر استعاره‌های موجود در آن را قبول کنیم، باید فرض شود که صفحات دکارتی این نمودار که حامل مؤلفه‌های محیط/منظر می‌باشند، تا بی‌نهایت ادامه می‌یابند و ناظر نمی‌تواند همه جای این صفحات را مشاهده کند.

این صفحات محاط‌کننده نگاه ناظر است و ناظر سعی می‌کند که به بخش‌هایی از محیط، کلیت داده و آن را به مثابه یک سوژه دریافت کند. مؤلفه‌های یکپارچگی این کار را برای ما انجام می‌دهند.

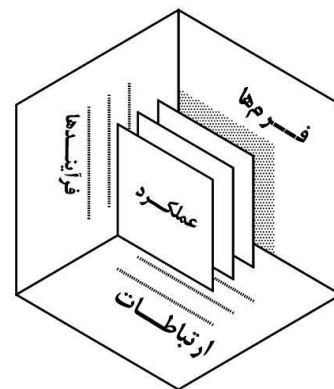


شکل ۲۰: هر کدام از صفحات یکپارچگی از اطلاعات دو صفحه اصلی مجاور در منظر تشکیل شده و اطلاعات صفحه روبروی خود را بازنمایی می‌کند.

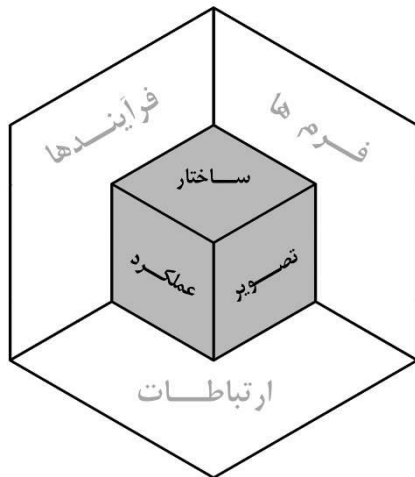
- تشکیل صفحه عملکرد از داده‌های ارتباطی و فرآیندی و منعکس شدن مستقیم فرم‌ها از آن
- تشکیل صفحه ساختار از داده‌های فرمی و فرآیندی محیط/منظر و منعکس شدن مستقیم ارتباطات از آن
- تشکیل صفحه تصویر از داده‌های فرمی و ارتباطی محیط/منظر و منعکس شدن مستقیم فرآیندها از آن

آن

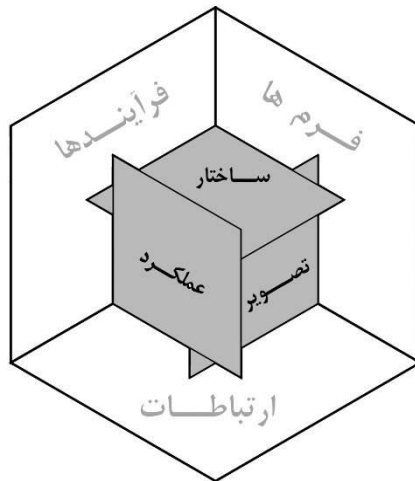
همچنان که در ابتدای مقاله ذکر شد، جست و جوی مؤلفه‌های یکپارچگی در محیط و منظر می‌تواند به معنی تبدیل کردن آن به یک شیء در ذهن ناظر باشد. شیئی که از مؤلفه‌های محیطی ساخته شده است. اما هویت مستقلی برای خود دارد. در این نمودار، هر کدام از سه صفحه حامل مؤلفه یکپارچگی با استفاده از صفحات منظری مجاور و یا صفحه روبرو دریافت خواهد شد. مثلاً همه فرم‌های درون یک منظر را نمی‌توان درک کرد. اما می‌توان بخشی از آن‌ها را به واسطه توپوگرافی زمین و ریخت بلوک‌های شهری (صفحه ساختار) یا نماهای ساختمان‌ها (صفحه تصویر) و بخشی هم به صورت مستقیم از روی عملکرد



در استعاره‌هایی که این نمودار ایجاد می‌کند، لبه‌های آن بر هم منطبق و متصل باشد. (شکل ۲۱ و ۲۲) در واقع یکپارچگی تصویری، ساختاری یا عملکردی، بدون یکدیگر میسر نیست. این تحقیق برای این مدل مفهومی، از مؤلفه‌های یکپارچگی به عنوان صفحه‌هایی فرضی برای بررسی و شناسایی یک سوژه در داخل محیط استفاده کرده است. پس قضاوت در مورد میزان یکپارچگی بایستی به تناسب و رابطه میان این صفحات منتقل شود.



شکل ۲۱: وضعیت سالم یک سوژه در مدل یکپارچگی



شکل ۲۲: مطابق مدل مفهومی در وضعیت ناسالم یا در هم ریخته سوژه، صفحات مرتبط با مؤلفه‌های یکپارچگی با هم اتصال درستی ندارد.
نتیجه‌گیری:

در این مقاله، مؤلفه‌های منظر و مؤلفه‌های یکپارچگی از دیدگاه نظریه‌پردازان مرور شد و سه مؤلفه فرم، فرآیند و

به عنوان یک سوژه استنباط شوند. به عنوان مثالی دیگر، نمی‌توان همه ارتباطات و وابستگی‌های اجتماعی و عاطفی در یک محیط را درک کرد. اما بخشی از آن‌ها از روی تصاویر ذهنی مردم (صفحه تصویر) یا فعالیت‌های ویژه آیینی و ارزشی (صفحه عملکرد) دریافت می‌شوند. بخشی را هم مستقیماً از روی بررسی ساختار شهر حدس می‌زنیم؛ و برای آخرین مثال، همه فرآیندهای محیط را نمی‌توان مستند کرد. اما می‌توان از سلسله مراتب و نظم که در دوره‌های زمانی متفاوت در ساختار یک مکان ایجاد شده یا عمر و بازدهی عملکردهای موجود در محیط، بخشی از فرآیندهای فعال یا غیرفعال را درک کرد. بخشی را هم به صورت مستقیم با بررسی تصاویر با زمان‌ها و مقیاس‌های مختلف از محیط، می‌توان دریافت و به کلیت آن تعمیم داد.

پس سه مؤلفه یکپارچگی گویی مؤلفه‌های سوژه‌اند که ما آن‌ها را درک و مستند کرده و کلیتی از آن استنباط می‌کنیم. در واقع یکپارچگی یک هولگرام شناختی و یک وضعیتی است که ناظر به سوژه می‌دهد. این نگاه آدمی است که فرم‌های طبیعت را از هم جدا می‌کند و دوباره به صورت یک کلیت ویژه شکل می‌دهد و آن‌ها به منظری فردی شده تغییر شکل می‌دهد. (آل هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۳ به نقل از Simmel, 2007)

کوه و جنگل شاید نمی‌دانند که چه هستند و شاید حتی اساساً آن چیزی نباشند که ما می‌پنداریم. این ناظر است که هویت‌های یکپارچه‌ای را برای محیط‌های مختلف بر مبنای خاطره و تصویری که از آن‌ها دارد یا بهره‌ای که از آن‌ها می‌برد و یا ساختاری مشابه که در قسمت‌های مختلف آن قابلیت مشاهده یافته است، در نظر می‌گیرد.

نکته اصلی در یک مدل مفهومی استفاده از همین ساختار «به مثابه» برای نمایش واقعیت و فرآیند است.

ساختار «به مثابه»، ادراک از پیش وحدت بخش چیزی به مثابه چیزی، شرط امکان وقوع حقیقت است که هایدگر آن را «لحظه ساختاری آشکار شدن» می‌داند که طی آن اشیا به مثابه اشیا پدیدار می‌شوند. (برک، ۱۳۹۸: ۶۲)

در اینجا نیز هر کدام از صفحات نمودار، به مثابه یکی از مؤلفه‌های یکپارچگی است که به صورت صفحه‌ای تصویری از صفحات اصلی دکارتی در این مدل مانند شکل ۲۰ نشان داده شده است.

بر خلاف منظر که تداعی‌گر تکثر و وسعت نظر است، مفهوم یکپارچگی حامل حسی از تفکیک و کلیت بخشیدن به یک سوژه است. پس این سه صفحه که متعلق به سوژه است، باید چنان در کنار هم قرار گیرند که





ارتباط برای منظر و سه مؤلفه تصویر، ساختار و عملکرد برای یکپارچگی در نظر گرفته شد. سپس رابطه بینایی این مؤلفه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت و پیرامون یک حلقه در کنار هم شکل گرفتند. روابط در هم تنیده میان این مؤلفه‌ها، مدلی سه‌بعدی بر مبنای یک مکعب ساده ایجاد کرد که با تغییراتی در وجوه داخلی و خارجی دو نیمه مکعب بارگذاری شدند. سپس در جهت پاسخ به فرضیات، دو استعاره اصلی روی مدل پیاده شد. استعاره نخست، پیاده‌سازی سه تخصص علمی شامل علوم محیطی، شهرسازی و معماری برای مطالعه منظر بود که نشان می‌داد هر کدام از این تخصص‌ها از وجهی به این مکعب نگاه می‌کنند و وجوهی از آن را به صورت مستقیم و وجوهی دیگر را از پهلو و به صورت ناقص می‌نگرند. پیشنهاد مدل این بود که متخصصین منظر باید با استفاده از این تخصص‌های سه‌گانه، و میان رشته‌هایی که آن‌ها را به هم مرتبط می‌کنند، داده‌های خود را طوری جمع‌آوری کنند که بتواند همه وجوه یکپارچگی را در منظر مشاهده و تحلیل نماید. برای این منظور که پاسخ پرسش دوم پژوهش در آن نهفته است، با نزدیک شدن مدل مفهومی به نمودار مختصات دکارتی، سه مؤلفه فرم، فرآیند و ارتباط به عنوان سه صفحه ریاضی اصلی و داده‌های روی آن‌ها مبنای شکل‌گیری سه صفحه تصویر، ساختار و عملکرد در نظر گرفته شد که هر کدام از آن‌ها می‌توانند در راستای دو صفحه ایجادکننده خود گسترش یابند. سه صفحه منظر برای محیط و سه صفحه یکپارچگی برای سوژه در نظر گرفته شدند. در واقع داده‌های روی صفحاتی که متعلق به محیط است، موجب پیدایش صفحات متعلق به سوژه می‌شود. درست مانند محیط واقعی که عناصر خود را تولید می‌کند. ساز و کاری که در این مدل برای سنجش وضعیت یکپارچگی تعریف شده، تناسب و هماهنگی صفحات متعلق به سوژه در کنار هم است. یعنی گسترش دو صفحه مجاور هم از سوژه (مثلاً ساختار و تصویر) روی یک صفحه مشترک از محیط (مثلاً در اینجا صفحه فرم‌ها) چنان باشد که هیچ کدام از دو صفحه ایجاد شده مانع دید صفحه دیگر نشود.

قدم بعدی پژوهش - که پیش‌تر آغاز شده - این است که با توسعه همین مدل مفهومی، متغیرهای مرتبط با سنجش

هر کدام از مؤلفه‌ها را در ساز و کاری مشترک میان تخصص‌های مختلف مرتبط با منظر، روی صفحات این مدل سه‌بعدی، چنان بارگذاری کند که متخصص منظر بتواند هم‌زمان مکعب یکپارچگی را از چند وجه مشاهده و مستند کرده و ویژگی‌های مختلف آن را در تناسب با یکدیگر ببیند. تنها بدین صورت است که توافقات علمی میان ذی‌مدخلان در منظر، نه در مرحله برنامه‌ریزی که از همان مرحله برداشت و مستندسازی حاصل شده و در این صورت با تقویت پیوندهای میان‌رشته‌ای، این تفاهات علمی است که از توافقات اجرایی برای مدیریت حفاظت در منظر نگهداری می‌کند.

منابع و مأخذ:

- آتشین بار. محمد (۱۳۸۸)، *تداوم هویت در منظر شهری*، فصلنامه علمی پژوهشی **باغ نظر**، سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان، ص ۴۵-۵۶
- اسپیرن. آن ویستون، ۱۳۸۷، برگردان بحرینی. سید حسین و امین زاده. *بهناز، زبان منظر*، دانشگاه تهران.
- الکساندر. کریستوفر (۱۳۹۲)، برگردان سیروس صبری. رضا و اکبری. علی، *سرشت نظم، ساختارهای زنده در معماری*، انتشارات پرهام نقش، قطب علمی طراحی شهری در بافت‌های تاریخی باارزش، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، تهران
- اهری. زهرا (۱۳۹۵)، *تأملی بر مفهوم ساختار و چگونگی شناسایی آن در شهر ایرانی پیش از دوران مدرن*، دوفصلنامه **فیروزه اسلام**، پژوهش معماری و شهرسازی اسلامی، شماره ۲، بهار و تابستان، ص ۴۵-۶۸
- بحرینی. سید حسین؛ علی قلعه باباخانی. ملیحه و سامه. رضا (۱۳۹۳)، *تبیین ماهیت رویکرد «کیفیت زندگی شهری» در تئوری‌های طراحی شهری*، نشریه معماری و شهرسازی **آرمان شهر**، شماره ۱۳، پاییز و زمستان، ص ۱۶۷-۱۵۱
- براتی. ناصر (۱۳۸۲)، *نگاهی نو به مفهوم شهر از نظرگاه زبان و فرهنگ فارسی*، نشریه **هنرهای زیبا**، شماره ۱۳، بهار، ص ۴-۱۵
- برک. آگوستین (۱۳۹۲)، *آیا مفهوم منظر متحول می‌شود؟*، مجله علمی ترویجی **منظر**، دوره پنجم، شماره ۲۳، تابستان، ص ۲۷-۲۵

- برک. آگوستین (۱۳۹۸)، ترجمه منصوری. مریم السادات، وجه اشتراک ما در منظر چیست؟، مجله **منظر**، دوره ۱۱، شماره ۴۹، ص ۶۵-۵۸
- بصیری. سمیه؛ وطن دوست. رسول؛ امامی. سید محمدمبین و احمدی. حسین (۱۳۹۳)، سیر تاریخی و اندیشه‌ای حفاظت میراث فرهنگی از منظر جایگاه مفهومی تمامیت (یکپارچگی)، دوفصلنامه علمی پژوهشی **تاریخ و فرهنگ**، شماره ۹۲، ص ۱۰۸-۸۵
- پوربهادر. پوپک و فدائی نژاد بهرام‌جردی. سمیه (۱۳۹۷)، بازشناسی چارچوب نظری رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی، فصلنامه **مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال هشتم، شماره سی و یکم، بهار، ص ۶۳-۷۴
- پورجعفر. محمدرضا؛ تقوایی. علی اکبر؛ آزاد فلاح. پرویز و صادقی. علیرضا (۱۳۹۳)، بازخوانی ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر (مورد پژوهی: استخوان‌بندی اصلی شهر تاریخی اصفهان)، فصلنامه **مدیریت شهری**، شماره ۳۵، تابستان، ص ۱۰۲-۸۷
- پورسراجیان. محمود (۱۳۹۴)، ارزش‌های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان، فصلنامه علمی پژوهشی **باغ نظر**، سال دوازدهم، شماره ۳۵، مهر و آبان، ص ۵۱-۳۹
- تقوایی. سید حسن (۱۳۹۰)، تطبیق محتوایی دو واژه منظر و لندسکیپ، مجله علمی پژوهشی **صفه**، شماره ۵۴، ص ۱۰۴-۸۵
- تولایی. نوین (۱۳۸۱)، شکل شهر منسجم، فصلنامه **صفه**، دوره ۱۲، شماره ۳۵، پاییز و زمستان، ص ۱۹-۵
- جوادی. مهسا؛ بوداغ. مهرناز و مکانی. ویدا (۱۳۹۴)، درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان‌ساخت به وسیله مؤلفه‌های مکان، فضا و کالبد، نشریه **مدیریت شهری**، شماره ۴۱، زمستان، ص ۱۶۰-۱۳۹
- دادرس. پری ناز؛ بهرامی خوشید. سحر؛ گلفام. ارسلان و عامری. حیات (۱۳۹۸)، تلفیق مفهومی؛ پیشینه و ساز و کار آن، دومانه علمی- پژوهشی **جستارهای زبانی**، شماره ۵۲، مهر و آبان، ص ۲۹-۱
- دانشپور. سید عبدالهادی (۱۳۸۳)، درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان‌ساخت، فصلنامه **باغ نظر**، سال اول، شماره اول، بهار، ص ۷۱-۵۹
- درتاج. فریبرز؛ یونسی. جلیل و زمانپور. عنایت الله (۱۳۹۲)، از پژوهش تا تصمیم، دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران.
- دهخدا. علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه**، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران.
- رحمانی. سارا و ندیمی. حمید (۱۳۹۸)، تأملی در کیفیت و معنی محیط، مجله **باغ نظر**، سال شانزدهم، شماره ۷۱، اردیبهشت، ص ۶۰-۵۱
- زیمل (۱۳۹۴) برگردان آل هاشمی. آیدا، فلسفه منظر، مجله علمی ترویجی **منظر**، شماره ۳۰، بهار، ص ۲۴-۲۲
- سجادزاده. حسن؛ کریمی. مهرداد و وحدت. سلمان (۱۳۹۳)، بررسی و ارزیابی اولویت مؤلفه‌های منظر خیابان‌های شهری (مطالعه موردی: شهر همدان)، فصلنامه **جغرافیا و مطالعات محیطی**، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان، ص ۱۰۰-۸۵
- شاملو. شبنم و حبیب. فرح (۱۳۹۲)، تبیین مفهوم شناختی معیارهای زیباتشناسی در منظر شهر، نشریه علمی پژوهشی **هویت شهر**، سال هفتم، شماره ۱۶، ص ۱۴-۵
- شرقی. علی؛ علیمردانی. مسعود؛ جهان زمین. یوسف و جهان زمین. شهرزاد (۱۳۹۶)، تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر انسجام کالبد شهری در فضاهای عمومی واقع در بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: مرکز محله شهیدگاه اردبیل)، فصلنامه **مدیریت شهری**، شماره ۴۷، تابستان، ص ۳۱۶-۳۰۱
- شمارا رویز. کاترین (۱۳۹۰)، ترجمه: مهربانی گلزار. محمدرضا، علم نقد منظر؛ آیا نقد منظر می‌تواند علمی باشد؟ فصلنامه علمی- ترویجی **منظر**، شماره ۱۷، زمستان، ص ۱۸-۱۴
- طالبیان. محمدحسن و فلاحت. محمدصادق (۱۳۸۸)، منظرهای فرهنگی؛ مجموعه مباحث کارگاه کارشناسی ارتقای مدیریت و برنامه‌ریزی منظرهای فرهنگی میراث جهانی در





- خرداد ۱۳۸۵، بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد، تخت جمشید
- عباسی. زهرا (۱۳۹۶)، معیارهای زیبایی‌شناسانه نما و بدنه‌های مطلوب شهری با تأکید بر هویت بومی (نمونه موردی: حدفاصل میدان مطهری تا تقاطع خیابان حجت شهر قم)، فصلنامه **مدیریت شهری**، شماره ۴۷، ص ۲۷۶-۲۵۵
 - عشرتی. پرستو (۱۳۹۱)، توسعه چارچوب نظری مفهوم منظر فرهنگی با تأکید بر حفاظت منظر شهری تاریخی اصفهان، رساله دکتری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری.
 - عشرتی. پرستو و حناچی. پیروز (۱۳۹۴)، تعریفی نوین از مفهوم منظر فرهنگی مبتنی بر فرآیند شکل‌گیری آن، فصلنامه علمی- پژوهشی **نقش جهان**، شماره ۳-۵، پاییز، ص ۵۰-۴۲
 - عمید. حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران
 - عندلیب. علیرضا و ابراهیمی. محمدرضا (۱۳۹۷)، کاربری‌های مدل مفهومی نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری، نشریه علمی **باغ نظر**، شماره ۶۵-۸۲، ص ۸۲-۶۷
 - عینی فر. علیرضا و عشرتی. پرستو (۱۳۹۶)، رویکردی کل نگر به نسبت فرهنگ و طبیعت در منظر فرهنگی (مورد پژوهی بم)، نشریه معماری و شهرسازی **هنرهای زیبا**، دوره ۲۲، شماره ۴، زمستان، ص ۹۲-۸۱
 - غفاری. علی؛ سهیلی پور. محمدصادق و شفیعی. امیر (۱۳۹۱)، تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ساختار فضایی شهر با رویکرد طراحی شهری نو ترکیب، فصلنامه **صفه**، دوره ۲۲، شماره ۳ (پیاپی ۵۸)، پاییز، ص ۷۴-۶۵
 - فیضی. محسن و اسدپور. علی (۱۳۹۲)، فرآیند بازآفرینی منظر میدانی شهر تهران با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی شهروندان، فصلنامه علمی پژوهشی **مطالعات شهری**، شماره هفتم، تابستان، ص ۱۴-۳
 - کریمی مشاور. مهرداد؛ سجادزاده. حسن و وحدت. سلمان (۱۳۹۴)؛ **سنجش اولویت‌های خوانش منظر فضاهای شهری از دیدگاه شهروندان؛ نمونه موردی**
 - **میدان‌های شهری همدان**، فصلنامه علمی پژوهشی **باغ نظر**، سال دوازدهم، شماره ۳۷، بهمن و اسفند، ص ۱۴-۳
 - کشمیری. هادی؛ پیوسته گر. یعقوب و کریمی. محمداقاسم (۱۳۹۵)، **ارایه الگوی روش تحقیق ترکیبی در شهرسازی**، فصلنامه **مطالعات محیطی هفت حصار**، شماره ۱۸، زمستان، ص ۵۲-۳۱
 - گروت. لیندا و وانگ. دیوید (۱۳۸۴)، ترجمه عینی فر. علیرضا، روش‌های تحقیق در معماری، دانشگاه تهران، تهران.
 - گلستانی. نفیسه؛ روشن. محبوبه و شبانی. مهدی (۱۳۹۴)، **سنجش‌شناسی همسویی معنادار روش‌های ارزیابی قرارگاه‌های رفتاری و بازرحی مبلمان و فضاهای شهری**، فصلنامه **مدیریت شهری**، شماره ۳۸، بهار، ص ۲۷۲-۲۴۱
 - لشکری. الهام و خلج. مهرشاد (۱۳۹۳)، **سنجش کیفیت محیط شهری با رویکرد مکان محور**، انتشارات گنج هنر، تهران، چاپ اول.
 - لینچ. کوین (۱۳۹۲)، برگردان مزین. منوچهر، سیمای شهر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، تهران.
 - ماهان. امین و منصوری. سید امیر (۱۳۹۶)، مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف، ماهنامه علمی پژوهشی **باغ نظر**، شماره ۴۷، فروردین، ص ۲۸-۱۷
 - مختارزاده. صفورا؛ قلعه نویی. محمود و خیرالدین. رضا (۱۳۹۷)، **کاوش الگوی مفهومی سنجش انسجام فرم و ساختار کالبدی شهر و تبیین اصول آن**، نشریه علمی پژوهشی **باغ نظر**، سال پانزدهم، شماره ۶۶، آذر، ص ۷۶-۶۳
 - معین. محمد (۱۳۶۳)، **فرهنگ معین**، انتشارات امیرکبیر، تهران.
 - ملک. نیلوفر (۱۳۹۲)، **مطالعه تطبیقی مفهوم روش‌شناسی و نظریه از منظر پژوهش‌های کمی و کیفی با تأکید بر نظریه‌پردازی در معماری**، دو فصلنامه علمی- پژوهشی **مطالعات تطبیقی هنر**، سال سوم، شماره ۵، ص ۱۲۹-۱۱۷

- Chomarar-Ruiz. C (2008), La critique de Paysage peut-elle etre scientifique? Could landscape criticism be scientific? Publie dans projets de paysage le. Available from: http://www.projetsdepaysage.fr/fr/la_critique_de_paysage_peut_elle_etre_scientifique (Accessed 13/12/2008)

1- Stephenson

پی نوشت‌ها:

- 2- Canter
- 3- Integrity
- 4- Form
- 5- Morphology

۶- واژه فرآیند در لغتنامه دهخدا نیست.

7- Process

۸- بسیاری از تحولات، به سرعت خود را در تغییرات عملکردی نشان می‌دهند و این عملکردها در تعاملات طولانی شهروندان و مسیرهایی که به خود باز می‌کنند، موجب تغییر شکل ساختار خواهند شد. از دیدگاه شویلر، اساساً این عملکرد است که به عنوان عامل اصلی در شکل دادن به ساختار محسوب شده و صورت یا فرم، محصول این عامل است. (اهری، ۱۳۹۵: ۴۹)

۹- منظور، در اینجا صورت ذهنی از جنبه بصری است.

۱۰- تصویر را در اینجا به عنوان جایگزینی از واژه بصری (Visual) که مورد استفاده یوکیهلتو برای بیان یکی از وجوه یکپارچگی است، به کار می‌رود.

11- Structure

۱۲- و گرایش‌های محیط زیستی، عملکرد را به عنوان تداعی‌کننده فرآیندهای بیولوژیک و اکولوژیک و تجارب انسانی می‌شناسند. (ماهان و منصوری، ۱۳۹۶: ۲۱)

۱۳- نگارنده حتی در شکل‌گیری خطوط موازی در این مدل توضیحاتی دارد که در این مختصر نمی‌گنجد.

۱۴- به دلیل اینکه منظر به مثابه محیط، در برگزیده مؤلفه‌های یکپارچگی یا همان سوژه باشند.

- منصوری. سید امیر (۱۳۸۳)، *درآمدی بر شناخت معماری منظر، فصلنامه باغ نظر*، سال اول، شماره دوم، پژوهشکده نظر، ص ۶۹-۷۸
- نظیف. حسن و مطلبی. قاسم (۱۳۹۸)، ارایه مدل مفهومی از خوانایی با تکیه بر تصور ذهنی، نشریه علمی باغ نظر، دوره ۱۶، شماره، ص ۶۹-۷۶
- وحدت. سلمان؛ سجاذزاده. حسن و کریمی مشاور. مهرداد (۱۳۹۴)، *تبیین ابعاد مؤثر بر منظر خیابان در جهت ارتقای خوانش منظر فضاهای شهری (مطالعه موردی: خیابان‌های بافت مرکزی شهر همدان)*، فصلنامه علمی پژوهشی *مطالعات شهری*، شماره پانزدهم، تابستان، ص ۱۷-۳۶
- یگانه. منصور و بمانیان. محمدرضا (۱۳۹۴)، *معرفت-شناسی فازی و سازگاری روش شناختی آن با پژوهش‌های معماری و شهرسازی*، فصلنامه *مدیریت شهری*، شماره ۴۰، پاییز، ص ۳۱۳-۳۲۶
- یوکیهلتو. یوکا (۱۳۸۷)، *برگردان طالبیان. محمد حسن و بهاری. خ، تاریخ حفاظت معماری، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، انتشارات روزنه، تهران.*
- Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. London: The Architectural Press LTD
- Council of Europe (2000), *European Landscape Convention*.
- Stephenson. J, *The Cultural Values Model: An integrated approach to values in landscapes*, in *Landscape and Urban Planning*, Volume 84, Issue 2, 6 February 2008, Pages 127-139, ISSN 0169-2046
- Nasr, T. (2016). *Urban Physical Identity; Conceptual Basis and Theories*. Tehran, Iran: Islamic Azad University, Science & Research Branch Publications.
- Simmel, G. (2007), *the Philosophy of Landscape. Theory, Culture and Society*, 24 (7-8): 20-29. *Die Philosophie der Ladnschaft*

